از مواد قانون مدنی درباره خانواده

ماده ۳۳٦: هر گاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفا برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتا مهیای آن عمل باشد عامل مستحق اجرت عمل خواهد بودمگر این که معلوم شود که قصد تبرع داشته است.

تبصره:چنانچه زوجه کارهایی را که شرعا به عهده وی نبوده و عرفا برای آن کار اجرت المثل باشد، به دستور زوج و با قصد عدم تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود دادگاه اجرت المثل کارهای انجام شده را محاسبه و به پرداخت آن حکم می نماید.

ماده ۹۰۷: اگر متوفی ابوین نداشته و یک یا چند نفر اولاد داشته باشد ترکه به طیق ذیل تقسیم می شود:

اگر اولاد متعدد باشد و بعضی از آنها دختر و بعضی از آنها پسر، پسر دو برابر دختر می برد.

ماده ۹۰٦: .... اگر پدر و مادر میت هر دو زنده باشند مادر یک ثلث و پدر دو ثلث می برد.

ماده ۹۲۰ :اگر وارث میت چند برادر و خواهر ابوینی و یا چند برادر وخواهر ابی باشند حصه ذکور (مردان) دو براب اناث) زنان) خواهد بود.

ماده ۹٤۹ :در صورت نبودن هیچ وارث دیگر بغیر از زوج یا زوجه، شوهر تمام ترکه زن متوفات خود را می برد لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث و تابع ماده ۸٦٦ خواهد بود.

ماده ۹۱۳ : ...هر یک از زوجین که زنده باشد فرض خود را می برد و این فرض عبارت است از نصف ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد و از ربع ترکه برای زوج و ثمن آن برای زوجه در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد...

ماده ۹٤٦ :زوج (شوهر) از تمام زوجه ارث می برد لیکن زوجه (زن) از اموال ذیل:

۱. از اموال منقول از هر قبیل که باشد. ۲. از ابنیه و اشجار

ماده ۹٤۷: زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می برد و نه از عین آنها و طریقه تقویم آن است که ابنیه و اشجاریا فرض استحقاق بقا در زمین بدون اجرت تقویم می گردد.

ماده ۹٤٥: اگر مردي در حال مرض زني را عقد كند و در همان مرض قبل از دخول بميرد زن از او ارث نمي برد ليكن اگر بعد از دخول يا بعد از صحت يافتن از آن مرض بميرد زن از او ارث مي برد.

جلددوم – دراشخاص

ماده ۹٦۳: اگر زوجين تبعه يك دولت نباشند روابط شخصي ومالي بين آنهاتابع قوانين دولت متبوع شوهر خواهدبود.

ماده ٩٦٤: روابط بين ابوين و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگراينكه نسبت طفل فقط به مادرمسلم باشد كه دراين صورت روابط بين طفل ومادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهدبود.

كتاب دوم - در تابعيت

ماده ٩٧٦: اشخاص ذيل تبعه ايران محسوب مي شوند :
١. كليه ساكنين ايران به استثناي اشخاصي كه تبعيت خارجي آنها مسلم باشد. تبعيت خارجي كساني مسلم است كه مدارك تابعيت آنها مورد اعتراض دولت ايران نباشد .
٢. كساني كه پدرآنها ايراني است اعم از اينكه در ايران يا درخارجه متولد شده باشند .
٣. كساني كه درايران متولدشده وپدرومادرآنان غيرمعلوم باشند .
٤. كساني كه درايران ازپدرومادرخارجي كه يكي ازآنهادرايران متولدشده بوجودآمده اند .
٥. كساني كه درايران ازپدري كه تبعه خارجه است بوجودآمده و بلافاصله پس ازرسيدن به سن هجده سال تمام لااقل يكسال ديگردرايران اقامت كرده باشند والاقبول شدن آنهابه تابعيت ايران برطبق مقرراتي خواهد بودكه مطابق قانون براي تحصيل تابعيت ايران مقرراست .
٦. هرزن تبعه خارجي كه شوهرايراني اختياركند .
٧. هرتبعه خارجي كه تابعيت ايران راتحصيل كرده باشد .
تبصره - اطفال متولد ازنمايندگان سياسي وقنسولي خارجه مشمول فقره ٤و٥ نخواهند بود .

كتاب چهارم - دراقامتگاه

ماده ١٠٠٥: اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است معذلك زني كه شوهر او اقامتگاه معلومي ندارد و همچنين زني كه بارضايت شوهرخود و يا به اجازه محكمه مسكن عليحده اختياركرده مي تواند اقامتگاه شخصي عليحده نيز داشته باشد.

كتاب پنجم - درغايب مفقودالاثر

ماده ١٠٢٩ - هرگاه شخصي چهارسال تمام غايب مفقودالاثر باشدزن او مي تواند تقاضاي طلاق كند دراين صورت با رعايت ماده ١٠٢٣حاكم او راطلاق مي دهد.

كتاب هفتم - درنكاح وطلاق

فصل دوم - قابليت صحي براي ازدواج

ماده ١٠٤١: نكاح قبل از بلوغ ممنوع است .
تبصره - عقد نكاح قبل از بلوغ با اجازه ولي و به شرط رعايت مصلحت مولي عليه صحيح مي باشد.

ماده ١٠٤٣: نكاح دختر باكره اگرچه به سن بلوغ رسيده باشد موقوف به اجازه پدر يا جد پدر او است و هر گاه پدر يا جد پدري بدون علت موجه از دادن اجازه مضايقه كند اجازه او ساقط و در اين صورت دختر مي تواند با معرفي كامل مردي كه مي خواهد با او ازدواج نمايد و شرايط نكاح و مهري كه بين آنها قرار داده شده است پس از اخذ اجازه از دادگاه مدني خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نمايد.(اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ١٣٧٠)

ماده ١٠٤٤:در صورتي كه پدر يا جد پدري در محل حاضر نباشند و استيذان از آنها نيز عادتا غير ممكن بوده و دختر نيز احتياج به ازدواج داشته باشد، وي مي تواند اقدام به ازدواج نمايد. (اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ١٣٧٠)
تبصره - ثبت اين ازدواج در دفترخانه منوط به احراز موارد فوق در دادگاه مدني خاص مي باشد.

فصل سوم - درموانع نكاح

ماده ١٠٦٠: ازدواج زن ايراني باتبعه خارجه درمواردي هم كه مانع قانوني ندارد موكول به اجازه مخصوص ازطرف دولت است.

فصل چهارم - شرايط صحت نكاح

فصل ششم - درنكاح منقطع

ماده ۱۰۷۵: نكاح وقتي منقطع است كه براي مدت معيني واقع شده باشد.

ماده ۱۰۷٦: مدت نكاح منقطع بايدكلا معين شود.

ماده ۱۰۷۷: درنكاح منقطع احكام راجع به وراثت زن وبه مهراو همانست كه درباب ارث و در فصل آتي مقرر شده است.

فصل هفتم - درمهر

ماده ۱۰۷۸: هرچيزي را كه ماليت داشته وقابل تميز نيزباشد مي توان مهر قرارداد.

فصل هشتم - درحقوق وتكاليف زوجين نسبت به يكديگر

ماده ۱۱۰۲: همين كه نكاح بطور صحت واقع شد روابط زوجيت بين طرفين موجود و حقوق و تكاليف زوجين درمقابل همديگر برقرارمي شود.

ماده ۱۱۰۵: درروابط زوجين رياست خانواده ازخصائص شوهراست.

ماده ۱۱۰٦: درعقددائم نفقه زن بعهده شوهراست

ماده ۱۱۰۷: نفقه عبارت است از همه نيازهاي متعارف و متناسب با وضعيت زن از قبيل مسكن ، البسه ، غذا ، اثاث منزل و هزينه هاي درماني و بهداشتي و خادم در صورت عادت يا احتياج به واسطه نقصان يا مرض (اصلاحی بموجب قانون اصلاح موادي از قانون مدني مصوب ۸۱)

ماده ۱۱۰۸: هرگاه زن بدون مانع مشروع از اداي وظايف زوجيت امتناع كند مستحق نفقه نخواهد بود.

ماده ۱۱۰۹: نفقه مطلقه رجعيه در زمان عده برعهده شوهر است مگراينكه طلاق درحال نشوز واقع شده باشد ليكن اگر عده ازجهت فسخ نكاح يا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگردرصورت حمل ازشوهر خود كه دراين صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت .

ماده ۱۱۱٤: زن بايد در منزلي كه شوهر تعيين مي كندسكني نمايد مگر آنكه اختيار تعيين منزل به زن داده شده باشد.

ماده ۱۱۱۷: شوهرمي تواندزن خودرا ازحرفه ياصنعتي كه منافي مصالح خانوادگي ياحيثيات خود يا زن باشد منع كند.

باب دوم - درانحلال عقدنكاح

ماده ۱۱۲۰: عقد نكاح به فسخ يابه طلاق يا به بذل مدت در عقدانقطاع منحل مي شود.

فصل اول - درموردامكان فسخ نكاح

ماده ۱۱۲۱: جنون هريك از زوجين بشرط استقرار اعم از اينكه مستمريا ادواري باشد براي طرف مقابل موجب حق فسخ است .

ماده ۱۱۲۲: عيوب زير در مرد موجب حق فسخ براي زن خواهد بود:
۱ - خصا
۲ - عنن به شرط اين كه ولو يك بار عمل زناشويي را انجام نداده باشد.
۳ - مقطوع بودن آلت تناسلي به اندازه اي كه قادر به عمل زناشويي نباشد. (اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰)

ماده ۱۱۲۳: عيوب ذيل در زن موجب حق فسخ براي مرد خواهد بود:
۱ - قرن
۲ - جذام
۳ - برص
٤ - افضاء
٥ - زمين گيري
٦ - نابينائي از هر دو چشم .

ماده ۱۱۲٥: جنون و عنن در مرد هرگاه بعد از عقد هم حادث شود موجب حق فسخ براي زن خواهدبود.

ماده ۱۱۲۸: هرگاه دريكي ازطرفين صفت خاصي شرط شده و بعد از عقد معلوم شودكه طرف مذكوره فاقد وصف مقصود بود براي طرف مقابل حق فسخ خواهدبود خواه وصف مذكور در عقد تصريح شده يا عقد متبانيا بر آن واقع شده باشد.

ماده ۱۱۳۰: در صورتي كه دوام زوجيت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وي مي تواند به حاكم شرع مراجعه و تقاضاي طلاق كند، چنانچه عسر و حرج مذكور در محكمه ثابت شود، دادگاه مي تواند زوج را اجبار به طلاق نمايد و در صورتي كه اجبار ميسر نباشد زوجه به اذن حاكم شرع طلاق داده مي شود. (اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰)

تبصره - عسر و حرج موضوع اين ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعيتي كه ادامه زندگي را براي زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشكل باشد و موارد ذيل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصاديق عسر وحرج محسوب مي گردد:

۱- ترك زندگی خانوادگي توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالي و يا نه ماه متناوب در مدت يك سال بدون عذر موجه .
۲- اعتياد زوج به يكي از انواع مواد مخدر و يا ابتلاء وي به مشروبات الكلي كه به اساس زندگي خانوادگي خلل وارد آورد و امتناع يا عدم امكان الزام وي بت ترك آن در مدتي كه به تشخيص پزشك براي ترك اعتياد لازم بوده است .
در صورتي كه زوج به تعهد خود عمل ننمايد و يا پس از ترك ، مجددا" به مصر موارد مذكور روي آورده ، بنا به درخواست زوجه، طلاق انجام خواهد شد.
۳- محكوميت قطعي زوج به حبس پنج سال يا بيشتر٠
٤- ضرب و شتم يا هرگونه سوءاستفاده مستمر زوج كه عرفا" با توجه به وضعيت زوجه قابل تحمل نباشد.
٥- ابتلاء زوج به بيماري هاي صعب العلاج رواني يا ساري يا هر عارضه صعب العلاج ديگري كه زندگي مشترك را مختل نمايد.
موارد مندرج در اين ماده مانع از آن نيست كه دادگاه در ساير مواردي كه عسر وحرج زن در دادگاه احراز شود، حكم طلاق صادرنمايد (الحاقی بموجب قانون الحاق يك تبصره به ماده ۱۱۳۰ قانون مدني مصوب ۸۱)

فصل دوم - درطلاق

مبحث اول - دركليات

ماده ۱۱۳۳: مرد مي تواند با رعايت شرايط مقرر در اين قانون با مراجعه به دادگاه تقاضاي طلاق همسرش را بنمايد.

تبصره - زن نيز مي تواند با وجود شرايط مقرر در مواد (۱۱۱۹) ، (۱۱۲۹) و (۱۱۳۰) اين قانون، از دادگاه تقاضاي طلاق نمايد. (اصلاحی به موجب قانون اصلاح موادي از قانون مدني مصوب ۸۱)

ماده ۱۱۳۹: طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه به انقضاء مدت يابذل آن ازطرف شوهر از زوجيت خارج مي شود.

مبحث دوم - دراقسام طلاق

ماده ۱۱٤٦: طلاق خلع آن است كه زن به واسطه كراهتي كه ازشوهرخوددارددر مقابل مالي كه به شوهرمي دهدطلاق بگيرد اعم ازاينكه مال مزبور عين مهر يا معادل آن و يا بيشتر و يا كمتر از مهر باشد.

ماده ۱۱٤۷: طلاق مبارات آن است كه كراهت ازطرفين باشد ولي دراين صورت عوض بايد زائد بر ميزان مهر نباشد.

كتاب هشتم - دراولاد

باب اول - درنسب

ماده ۱۱٦۹: برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوین او جدا از یکدیگر زندگی می کنند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است.

ماده ۱۱۷۰: اگرمادر در مدتي كه حضانت طفل به او است مبتلابه جنون شود يابه ديگري شوهر كند حق حضانت با پدر خواهد بود.

باب سوم - درولايت قهري پدروجدپدري

ماده ۱۱۸۰: طفل صغيرتحت ولايت قهري پدر و جدپدري خودمي باشدو همچنين است طفل غيررشيد يا مجنون درصورتي كه عدم رشد يا جنون اومتصل به صغرباشد.

ماده ۱۱۸۱: هريك ازپدروجدپدري نسبت به اولادخودولايت دارند.

ماده ۱۱۸۲: هرگاه طفل هم پدر و هم جدپدري داشته باشد و يكي ازآنها محجور يابه علتي ممنوع ازتصرف در اموال مولي عليه گردد ولايت قانوني او ساقط مي شود.

ماده ۱۱۸۳: دركليه امور مربوط به اموال و حقوق مالي مولي عليه ولي نماينده قانوني او مي باشد.